

معرفی کتاب «کلیات حقوق اسلام»، نگاشته حجت الاسلام مصطفی دانش پژوه

نگاهی به تفاوت‌های حقوق دینی و حقوق سکولار

ازدین ارائه شده است، مراد خود از دین را روشن می‌کند. سپس در گفتار نخست، به تفصیل از رابطه حقوق با دین (به مفهوم عام و کلی دین) و امکان منطقی دینی بودن حقوق سخن می‌گوید و به تاریخچه ارتباط حقوق و دین در غرب مسیحی و شرق اسلامی، اشاره‌ای سریع و گذرا دارد و در ادامه رابطه حقوق و دین را از منظر «لزوم و بایستگی» مورد توجه قرار می‌دهد و انواع نگاه‌های سکولار که برگسستگی حقوق و دین باور دارند و به سه صورت سکولاریسم برون دینی، سکولاریسم درون دینی و سکولاریسم مضاعف، ظاهر می‌شوند را تبیین و لزوم رابطه مثبت بین حقوق و دین را توجیه می‌کند. پس از آن در گفتار دوم، رابطه حقوق و دین اسلام را به طور خاص مطالعه می‌کند و با ارائه بازتعریف و باز شناختی از اسلام، نخست لزوم دینی (اسلامی) بودن حقوق را با نگاهی تحلیلی، از دو دیدگاه «خداشناسی و توحید» و «انسان شناسی و حقوق» اثبات می‌کند و سپس نگاه قرآن کریم را با اشاره به آیاتی چند، بازگو می‌کند و به دنبال آن، با توجه گستره قواعد حقوقی اسلام، نقش انسان در قانون گذاری را توضیح می‌دهد و تفاوت‌های اساسی حقوق دینی (اسلامی) و حقوق سکولار را از جهات مختلف: موضوع و قلمرو، ماهیت احکام، ضمانت اجرا، اهداف، منابع، مبانی تبیین می‌کند و نقش چهار گانه دین اسلام و مذهب جعفری و سپس نقش سایر مذاهب اسلامی و ادیان توحیدی غیر اسلامی در حقوق کنونی ایران را توضیح می‌دهد و به ویژه نقش فراگیر شریعت اسلامی و فقه امامیه را در فقدان واقعی یا حکمی قانون در دعاوی حقوقی و دعاوی کیفری، با نقد دلائل مخالفان: (خروج تخصصی دعاوی کیفری، خروج تخصصی دعاوی کیفری، لزوم مراعات اصل برائت، صلاحیت انحصاری والی - ونه قاضی - در اجرای تعزیرات، مخالفت با قاعده قبح عقاب بلا بیان، مخالفت با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، حفظ و بقای حکمت قانون گذاری، لزوم برهیز از آرای متضاد) و تحلیل اصل یکصد و شصت وهفتم قانون اساسی تبیین می‌کند.



بودن حقوق از دیدگاه اسلام سخن می‌گوید و تفاوت‌های حقوق دینی (اسلامی) و سکولار را بر می‌شمارد. فصل دوم مبانی اصلی و فرعی حقوق اسلام و فصل سوم اهداف حقوق از دیدگاه اسلام را تبیین می‌کند و به ویژه نقش عدالت را تبیین می‌کند. فصل چهارم، منابع حقوق اسلام را در سه دسته منابع اصلی، فرعی و تنمیمی مطالعه می‌کند و فصل پنجم ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام را توضیح می‌دهد.

معرفی تفصیلی

مقدمه کتاب به کاربردهای مختلف واژه «حقوق» در ادبیات فارسی می‌پردازد و مراد خود از این واژه را معین می‌کند.

فصل اول، «حقوق و دین»

از آن جا که سخن گفتن از نظام حقوق دینی و مشخصاً حقوق اسلامی در گرو آن است که پیش‌تر رابطه حقوق و دین، هم به لحاظ امکان منطقی و هم به لحاظ وقوع خارجی روشن شود، فصل اول با عنوان: «حقوق و دین» به این مطلب اختصاص یافته است. در مقدمه این فصل، به زمینه و پیشینه بحث اشاره و ریشه‌ها و چرایی پیدایش پرسش از رابطه حقوق و دین، و نابجا بودن چنین پرسش در فضای اندیشه اسلامی تبیین شده است، آن گاه، با اشاره به تعاریف مختلفی که

دانشجویان حقوق، اگرچه در دروس حقوق مدنی و حقوق کیفری و مانند آن، عملاً با بخش‌هایی از حقوق اسلام می‌شوند، اما نه در این دروس و نه در درس مقدمه علم حقوق که متکفل آشناسازی آنان با علم حقوق و نیز نظام‌های حقوقی است، آن طور که باید با نظام حقوقی اسلام و مبانی، اهداف و ویژگی‌های آن، آشنا نمی‌شوند و این عدم آشنایی، به هیچ وجه شایسته دانشجوی مسلمان، آن هم در جمهوری اسلامی نمی‌باشد. از این رو تهیه و اجرای طرحی پژوهشی با هدف گذاری ارائه منبعی درسی با عنوان «کلیات حقوق اسلام»، ضرورتی بود که پژوهشگاه حوزه و دانشگاه از مدت‌ها پیش آن را احساس کرده و اقدام در این باره را در راستای تحقق یکی از رسالت‌هایش که تهیه متون و منابع درسی است، بر خود فرض و لازم دانست و انجام آن را به حجت الاسلام و المسلمین مصطفی دانش پژوه، پژوهشگر محترم گروه حقوق و فقه اجتماعی پژوهشگاه، که پیش‌تر هم آثاری مرتبط با این موضوع، همچون دوره حقوق شناسی عمومی و مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام داشته‌اند، واگذار کرد. هم اکنون که این اثر در آستانه نشر مشترک به وسیله پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه علوم رضوی وابسته به آستان قدسی آن حضرت است، معرفی مختصری از آن به علاقمندان این گونه مباحث تقدیم می‌شود.

معرفی اجمالی

کتاب «کلیات حقوق اسلام» که به عنوان منبع مطالعات کلی حقوقی برای پژوهشگران عرصه علوم انسانی-اجتماعی، به ویژه برای دانش‌آموختگان رشته حقوق و نیز فضلا فقه‌آشنای حوزوی فراهم شده است، در ضمن پنج فصل، به شرح زیر، به معرفی کلی نظام حقوق اسلام می‌پردازد: فصل اول، که نقش سنگ بنای بحث را دارد، به تفصیل از رابطه حقوق و دین و امکان منطقی دینی بودن حقوق و در نهایت لزوم دینی (اسلامی)